

آن روزها

خاطرات مطبوعاتی و تحقیقاتی

پروفیسور سیدحسن امین

□ من از خواندن و نوشتن و اندیشیدن بسیار لذت می‌برم. منتهی هم بر کسی یا گله‌یی هم از کسی ندارم. به قول امام علی، لنا علم و للاعداء مال. شاید دوستان من و خوانندگان آثارم، مرا شخص پرکاری بدانند اما حقیقت این است که به خلاف چهارتن از پرکارترین معاصران یعنی استادان سعید نفیسی، دکتر باستانی پاریزی، ایرج افشار و بهاءالدین خرمشاهی که تقریباً همه‌ی کارهایشان به نام خودشان و در حیات خودشان چاپ شده است، من نوشتار بسیار دارم که در اثر جابه‌جا شدن‌ها و تغییر مکان‌های مکرر خودم در ایران و انبراز از یک‌سو و اوضاع سیاسی قیل و بعد از انقلاب ز سوی دیگر، هنوز چاپ نشده مانده‌اند. بدتر از آن‌ها، دو مسأله‌ی دیگر است:

۱- مقالات و اشعار و یادداشت‌هایی که به دیگران داده‌ام، یا دیگران از من گرفته‌اند و هر کدام به دلیلی گم شده است. برای مثال، سندی در بین اوراق قدیم یافتیم که نشان می‌دهد در شهریور ۱۳۵۴ یکی از مقاله‌های ارسالی من به مجله‌ی گوهر به زعامت دکتر نصرت‌الله کاسمی و مدیریت مرتضی کامران، در چاپخانه حروف‌چینی شده و متأسفانه قسمتی از باورقی آن در چاپخانه مفقود شده است. مرحوم کامران (برادر همکارمان ماشاءالله کامران که مقاله‌یی چند از او را در زمینه‌ی حفاظت‌شناسی در همین مجله چاپ کرده‌ایم)، در چهارم تیر ۱۳۵۴، طی نامه‌یی ز من خواسته است که رونوشت آن مقاله را به ایشان بدهم ولی در آن زمان‌ها، کسی در نوشتن مقالات فرصت رونویسی و

پاک‌نویسی نداشت و فتوکپی هم این قدرها در دسترس نبود. لذا نه من امکان داشتم که دوباره آن مقاله را بازبینی کنم و مراجع آن را دوباره پیدا کنم و نه آن مقاله بدون منابع در آن مجله منتشر شد! الان هم اصلاً آن مقاله را ندارم و گمان کنم کسی آن منابع را ندیده باشد. این‌گونه امور مسبوق به سوابقی‌ست و از جمله آن‌که یک عدد از کتاب‌های استاد ما مرحوم محمود شهابی به طور کامل در چاپخانه گم شده بود و آن متن، ترجمه‌ی یکی از کتاب‌های ابن‌سینا بود. معلوم است که چنان کتابی به درد شاگرد چاپخانه نمی‌خورده است. آن را قطعاً یکی از دانشمندان!! دزدیده است. اکنون من اصل نامه‌ی مجله‌ی گوهر را در اینجا چاپ می‌کنم تا اهالی قلم را هشداری باشد و اگر مطلبی به مجله‌یی می‌فرستند، فتوکپی یا نسخه‌ی آن را برای خود محفوظ نگاه دارند. ۲- در موارد عدیده مقالات من به نام دیگران چاپ شده است و بعضی‌ها که باید نمره و رتبه بگیرند و از جهت مالی و مقامی امتیاز بیآورند، کارهایی را که من برای انتشار به آن‌ها تحویل داده‌ام، بدون اطلاع و رضایت من با تغییراتی اندک به نام خود چاپ کرده‌اند و نام خود را به عنوان مؤلف آن مقاله نوشته‌اند! نمونه‌ی آن مقاله‌ی «تاج‌نامه»ی من است که برای **دانشنامه‌ی جهان اسلام** به سفارش رسمی بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی (نامه‌یی به تقاضا و امضای دکتر غلامعلی حدّاد عادل) نوشتم و آن را از انگلستان به آن دانشنامه و نسخه‌یی از آن را به مجله‌ی ایران‌شناسی نزد دکتر جلال متینی فرستادم. مقاله‌ی «تاج‌نامه»ی من،

خوشبختانه به موقع در مجله‌ی ایران‌شناسی چاپ شد؛ اما یک سال و نیم بعد که همان مقاله در دانشنامه‌ی جهان اسلام به چاپ رسید، چون من در ایران نبودم، مقاله‌ام به نام یک دانشجوی دوره‌ی دکتری که در بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی مشغول به کار بود، چاپ شد. کارمند محترم، اما بی‌انصاف دایرة‌المعارف اسلامی، نکرده بود که حالا حق‌التحریر آن مقاله را گرفته نوش جان کند و از امتیازات آن هم برای دوره‌ی دکتری استفاده کند و به بهای زحمت من، دکتری بگیرد اما دست کم نام مرا هم که دو سه ماه روی آن مقاله زحمت کشیده بودم ولو به‌عنوان مؤلف دوم! حتی بعد از نام خودش! زیر آن مقاله بگذارد! خیر کلّ مقاله را به نام خودش چاپ کرده بود. غافل از این‌که مقاله‌ی من قبلاً در مجله‌یی معتبر در خارج از کشور چاپ شده است!!

بدتر از این حالت پایان‌نامه‌یی بود که یکی از کارشناسان ارشد یکی از دانشگاه‌های کشورمان درباره‌ی حاج ملاهادی سبزواری نوشته بود و مطالب مرا حتی آن‌ها که به نقل از پدر و پدربزرگم نوشته بودم، عیناً کپی کرده بود ولی اسم مرا حتی به عنوان یکی از مراجع خود ننوشته بود!

بنیاد نیکوکاری نورانی
مجله گوهر
ناشر: دفتر «دیده» ادبیات و هنر و تاریخ در منطقه ایران
تاریخ: ۱۳۵۴
شماره: ۸
پست: ...

دانشمند ارجمند آقای دکتر سید حسن امین
عطفاً به مسأله مشاهده‌ی ما با این نام «کتابخانه»
ارسال شده بود، در خصوص حجت‌الزاین حکایت‌های
متشکر و امیدوارم همیشه ادامه داشته باشد. فلاخانی
نعمت‌مندان «بعضی فلسفی نامرغسرو» ارسال‌اند.
بوده که حاشیاه‌ی متن، از طرف آن‌ها چاپخانه مطبوع
شده است و با آنکه متن ظاهر صرفاً چینی شده هنوز
نمی‌توانستیم این‌ها چاپ کنیم خواهشمند است اگر ممکن است
رونوشتی از متن کامل آن‌ها را برای ما ارسال فرمایند و ما
را در مورد تأیید این چاپ با شما خبر نیندازیم. مزید
تشکر خواهد بود.
ارادتمند
دانشمندی - مرتضی کامران